



سینا و آینه

مجید محملی



۱- بهره‌گیری فراوان از «آینه» را در انواع فیلمهای سینمایی، همگان شاهد بوده‌اند. مسئله مهم این نوشته آن است که چرا و با چه مقاصدی از آینه در فیلمها استفاده شده یا می‌توان استفاده کرد؟ آیا آینه همه‌جا کار کرد و کاربرد معمولی خویش را دارد؟ خود آینه چه بار مفهومی و چه تواناییهای نظری دارد که فیلمسازان را به سوی خود می‌کشاند؟ در این نوشته تلاش می‌کنیم تا در حد توان به این سؤالات پاسخ گوئیم.

۲- «آینه»، چه به صورت يك شیء مشخص که آن را از صیقل دادن فلزات یا پوشش نقره‌ای در يك سوی شیشه ساخته و می‌سازند و چه به صورت هر شیئی که بتواند تصویر را بازتاب دهد (آب ساکن، انواع شیشه‌هایی که نور در يك سوی آن بیش از دیگر سو باشد و...) از دیرباز مورد توجه و تأمل بشر بوده است. حضور

آینه (به معنی اعم آن) در زندگی بشر و دلمشغولی انسان به آن، پدیده‌ای نو و تازه نیست. حتی در روزگاری که بشر هنوز قادر به ساخت آینه نبوده، چهره خویش و خویش را در آب می‌دید و به تأمل در خود می‌پرداخت. ادبیات ملتهای گوناگون جهان پر است از گفتگو با آینه، تأمل در آینه، سخن گفتن از آینه و بالاخره طرح آینه به عنوان شیئی که خویش را در خویش را به انسان می‌نمایاند. از همین رو بسیاری از مردم جهان چهره یا تصویر منعکس از آینه را روحی مستقل می‌پنداشتند و به همین جهت بر این باور بودند که با شکستن آینه آن روح می‌میرد. بدشگون دانستن شکسته شدن آینه شاید از همین اعتقاد ناشی شده باشد.

۳- اگر آینه را به معنی وسیع آن یعنی هر شیئی یا پدیده‌ای که ما را به خودمان نشان دهد به کار ببریم سینما خود جزء بهترین آینه‌هاست.

در آینه سینما می توان طبیعت، زندگی بشر، دردها، شادبیاها، دغدغه‌ها، عصیانها و انواع اندیشه‌های نو را یافت. شاید سینمای يك منطقه یا يك کشور یکی از بهترین اسناد برای مورخ، جامعه‌شناس یا روان‌شناس برای بررسی تحولات اجتماعی، سیاسی یا روحی آن باشد. گستردگی کار سینما، مضامین متنوع و بهره‌گیری آن از دیگر هنرها باعث شده که حتی وضعیت فرهنگی يك جامعه و سطح رشد و تحول هنرهای مانند موسیقی، رمان، تئاتر و حتی نقاشی و عکاسی آنان را بتوان از طریق سینمایشان کشف کرد. سینما، يك پدیده قرن بیستمی، بهترین آینه تحولات و نوع زندگی (و دانش فنی) مردمان این قرن است.

۴- کارکردهای آینه و کاربردهای آن در سینما چه بوده و چه می تواند باشد؟ در اینجا این کارکردها و کاربردها را يك به يك برشمرده، در مواردی که مثالها و نمونه‌ها محدودتر باشند آنها را ذکر می کنیم و در غیر این صورت یعنی در مواردی که استفاده از آینه بی شمار باشد از ذکر آن خودداری می کنیم:

الف: کاربردها و کارکردهای روزانه و عادی آینه. هر يك از ما در زندگی روزانه چه در خانه و چه در برخی مکانهای عمومی از آینه‌های قابل حمل یا ثابت برای نظافت، آرایش یا مرتب کردن سر و وضع خود استفاده می کنیم. استفاده از آینه در فیلمها گاه به همین اندازه طبیعی و معمول محدود است. از این گونه کاربرد آینه می توان به تعداد فیلمهایی که به زندگی روزانه و واقعی مردم پرداخته‌اند مثال آورد.

ب: گاه در فیلمها برای جای دادن چند

بازیگر (در يك فضای محدود و از يك زاویه خاص که نمای عمومی یا نمای متوسط امکان پذیر نیست)، چند شی (مانند دو اتومبیل در جاده که یکی را می توان در آینه داخل یا بغل اتومبیل نشان داد) یا چند بازیگر و يك شی یا چند شی و يك بازیگر و انواع دیگری از ترکیب انسان و اشیا در قاب تصویر، از آینه استفاده می شود. این کاربرد آینه در سینما کاملاً فنی و اختصاصی است و گاه فیلمبردار مجبور است از آینه‌ای در محیط استفاده کند که در غیر مورد فیلمبرداری و فیلمسازی، آن آینه جایی در محیط ندارد. مثلاً در جایی از اتاق، آینه نصب می شود که معمولاً در آنجا آینه‌ای نمی گذارند. این کار گاه در مجموعه فیلم هضم و مضمحل می شود و گاه شکل زمختی به خود می گیرد.

ج: از آینه برای بیان نکته‌هایی خاص هم می توان استفاده کرد. مثلاً ورنر هرتزوگ در فیلم «نوسفراوتا» از آینه برای بیان این نکته که «دراکولا» شخصیتی غیرجسمانی دارد، استفاده کرده است. در نمایی از فیلم و در يك اتاق، دختری در برابر آینه نشسته است. ناگهان دری باز می شود ولی ما در آینه چیزی نمی بینیم اما بلافاصله در نمای بعدی، دراکولا در میان درپاز شده مشاهده می شود به این معنی که دراکولا در آینه مشاهده نمی شود.

د: خودگویی و حرف زدن با خود یکی از زمخت ترین و غیرقابل تحمل ترین تکنیکها در سینماست. به همین خاطر کارگردانانی که خواسته‌اند به بیان مافی الضمیر هنرپیشه خود و آن هم در تنهایی بپردازند، به آینه پناه برده‌اند.

دو مورد خوب این مسئله یکی بازی خوب رابرت دونیرو در فیلم راننده تاکسی^۲ اثر مارتین اسکورسیسی و دیگری بازی خانم جولیتا ماسینا در فیلم فرد و جینجر^۳ اثر فللینی است.

در فیلم اول راننده تاکسی را می بینیم که می خواهد علیه جامعه عصیان کند و هیچ کس با او رابطه دوستانه و انسانی برقرار نمی کند. درنمایی از فیلم بازیگر این نقش در برابر آینه به ابراز تنفر و حالاتی که حاکی از خشونت است می پردازد. حرکات بدن و اجزای صورت در چنین مسواری نقش بسیار مهمی بازی می کنند.

در فیلم دوم، خانم ماسینا هنرمندی است که پا به دوران پیری گذاشته و قرار است با یک هنرمند مسن دیگر (مارچلو ماسترویانی) در یک نمایش تلویزیونی شرکت کند. درنمایی از فیلم، خانم ماسینا در برابر آینه با بازی خاص خویش حرفهایی را که قرار است به خود و مخاطبان فیلم بزند با حرکت چهره و چشمها بیان می کند.

ه: آینه در فیلمها می تواند گواه یا واسطه‌ای میان عالم خاک و عالم افلاک و نفوس غیرجسمانی باشد. این کارکرد آینه باز می گردد به همان اعتقاد که آینه دریچه‌ای است میان ما و عالم ارواح، یا فراتر از آن، ارواح در آینه‌ها جای دارند.

در فیلمی به نام همه من^۴ اثر کارل راینر که فیلمی معمولی است، نویسنده و کارگردان از آینه برای نمایش روح استفاده کرده‌اند. زنی در هنگام مرگ در جسم مردی حلول می کند و نیمی از جسم او را تحت انقیاد خود قرار می دهد. این نیمه دوم، حرکات و رفتاری

آینه یکی از وسایلی است که نشان می دهد تفکیک میان عین و ذهن صرفاً یک تفکیک تحلیلی است و مبدأ مختصات تحلیلی بر اینکه چه چیزی ذهنی و چه چیزی عینی است مؤثر می افتد.



موسسه علمی و فرهنگی
مجمع علوم اسلامی

زنانه دارد که در مواردی مایهٔ دردسر مرد می شود یا گاه مرد به انجام چیزهایی متمایل است که زن به آنها تمایلی ندارد. آینه در فیلم وسیله‌ای است تا مرد با نیمهٔ دوم وجود خویش سخن بگوید و در برابر آینه نیمهٔ دوم وجود خویش را ببیند.

و: از آینه (به معنی عام آن) در کار نورپردازی نیز می توان بهره‌ها برد. دادن نور بیشتر و البته ملایم و بدون استفاده از پروژکتور، بازی با نور در يك نقطهٔ خاص (در فیلم ناروئی نیز آقای ابراهیمی فر برای انعکاس نور از آب موج در سقف یا دیوار استفاده کرده است)، ایجاد جلوه‌های تصویری از سطوح صیقلی یا آب در اوقات خاصی از روز یا شب (بازی با نور در کف خیابان شسته شده در فیلم رانندهٔ تاکسی) و غیر آنها می توانند مثالهایی از این امر باشند.

ز: با استفاده از آینه می توان دو جریان متفاوت را در فیلم پیش برد بدون آنکه نیازی به تدوین موازی باشد. مثلاً سخن گفتن دو یا چند نفر را با هم در داخل يك اتومبیل می توان همزمان با وقوع حادثه‌ای در جریان، در بیرون آن نمایش داد؛ به این شکل که ماجرای بیرونی دز شیشه‌های جانبی اتومبیل منعکس شده باشد. این کار رادرحال حرکت اتومبیل هم می توان انجام داد. مثلاً در داخل، يك شخصیت سیاسی با دیگران مشغول گفتگو باشد و در بیرون، واکنش تماشاگران یا نوع فضای شهر یا هر مسئلهٔ دیگری نمایش داده شود.

ح: از آینه می توان برای ذهنی تر کردن روایت بهره برد. تفاوت است میان اینکه يك حادثه را به طریق معمول نشان داد یا اینکه آن را

در شیشهٔ عینك کسی در برابر چشم مخاطب قرار داد. در حالت دوم روایت مشخصاً جنبه‌ای ذهنی پیدا می کند و اگر قائل باشیم که در هر روایتی بالاخره وجهی از ذهنی بودن وجود دارد بر آن تأکید می شود.

اتفاقاً آینه یکی از وسایلی است که نشان می دهد تفکيك میان عین و ذهن صرفاً يك تفکيك تحلیلی است و مبدأ مختصات تحلیل براینکه چه چیزی ذهنی و چه چیزی عینی است مؤثر می افتد. با آینه می توان تصویر را در تصویر آورد یا بی نهایت تصویر تکرار شونده به وجود آورد که این خود بر «واقعیت تکثیر شده»، «ذهنیت مؤثر بر عینیت» یا شاید «ذهنی کردن تمام واقعیت» و يك ایده‌آلیسم تام و تمام به خوبی دلالت کند. در يك تأمل دقیقتر مرز چندانی میان رئالیسم و ایده‌آلیسم وجود ندارد و آینه ابزاری است برای دلالت یا شاهد مثال آوردن بر این امر.

ط: گاه می توان برای تأکید بر حضور يك بازیگر یا نقش خاص از آینه بهره گرفت. در فیلم تنفر اثر رومن پولانسکی، آمدن تصویر زن تنها که محور فیلم است در کنار مرد و در آینه، شاید چنین نقشی را برعهده دارد.

ی: آینه‌های رنگی که با لایه‌ای از رنگهای طلایی یا صورتی پوشانده می شوند، آینه‌های مقعر و محدب و آینه‌های مخصوص سرگرمی که اشکال را کاملاً برهم می ریزند نیز در فیلمها به تناسب موضوع قابل استفاده‌اند. برای نمونه در يك فیلم کمندی یا در لحظه‌ای از يك فیلم جدی که قصد تنوع یا سرگرم کردن تماشاگر در میان باشد می توان از آینه‌های برهم ریزنده اشکال که اغلب در سیرکها یا نمایشگاهها



نادر

نصب می شوند استفاده کرد.
 ک: سنخیت سینما با آینه و مفهوم شاعرانه خود آینه باعث شده که بسیاری از فیلمسازان از این اسم در عنوان فیلم خود استفاده کنند. (آینه از آندری تارکوفسکی یا خشت و آینه از ابراهیم گلستان یا همچون در يك آینه (بیشتر به واسطه ذوق مترجم، چون اسم اصلی فیلم Through a glass darkly است) از اینگمار برگمان ...)

ن: آینه می تواند ابزار شوخی از طریق سردرگم کردن بازیگر (ولذا تماشاگر) باشد. با قرار دادن چند آینه به نحوه های گوناگون در کنار هم، تصویر می تواند (تا بی نهایت) تکرار شود و این، هم از نظر بصری تصاویری جذاب می آفریند و هم، عنصر سردرگمی را وارد کار می کند. نمونه خوب این کار در فیلم سیرك (چارلی چاپلین، ۱۹۲۸) انجام گرفته است. در يك صحنه خود چارلی در تالار آینه گیر افتاده است و برخوردهای او با وضعیت خویش بسیار كميك و گاه تراژيك است. در صحنه دیگر پلیس نیز با چارلی همراه می شود

ل: آینه وسیله ای مناسب برای تأمل در خود و به واسطه این تأمل، رجوع به گذشته است. از دریچه آینه می توان خاطرات را زنده کرد و اصولاً در گذشته زیست. در فیلم مرگ دستفروش اثر شولندورف (که در واقع يك نمایشنامه است که در فضایی بسته به فیلم درآمده) داستین هافمن که نقش دستفروش پیر را بازی می کند با آینه به گذشته های دور سفر می کند و گذشته اش را مرور می کند.

م: با آینه می توان تجربیات فرد را با تداعی در اثر نوعی حرکت خاص به یاد مسائلی

و صحنه تعقیب و گریز در اتاق آینه‌ها صورت می‌گیرد.

س: کاربرد مهم و اصلی دیگر آینه در سینما، استفاده از آن در جلوه‌های ویژه تصویری است. هر يك از این جلوه‌ها را به اختصار توضیح می‌دهیم:

۱- نشان دادن تصویر صحنه بر روی پرده زمينه: در اینجا، هم برای انعکاس زمينه از پشت و هم از روبرو می‌توان از آینه استفاده کرد، در برخی موارد نیز از آینه‌های پنجاه درصد (با لایه آلومینیومی) برای انعکاس شیئی خاص بر صحنه استفاده می‌شود.

۲- وسیعتر کردن فضای تصویر: آینه‌ها معمولاً تصاویر منعکس در خود را با عمق بیشتری به بیننده القا می‌کنند.

۳- تغییر جهت: آینه‌ها می‌توانند جهت و موقعیت اشیا را بدون قابلیت تشخیص، تغییر دهند.

۴- محور تدریجی تصویر یا جاروی آن.

۵- از آینه‌ها می‌توان به شکل پریسکوپ و کالایدوسکوپ استفاده کرد و بدون بالا بردن دوربین از صحنه بر ارتفاع و کپشن‌ها، فیلمبرداری کرد.



پاورقی

۱- اولین آینه‌های نسبتاً مناسب و شفاف در قرن دوازدهم و در ونیز ساخته شد. در این دوران آینه آن قدر کمیاب و گرانبه‌است که منحصر به ثروتمندان است و صرفاً کاربردهای تزیینی دارد. آینه‌های بزرگ و مسطح در عصر لویی چهاردهم ساخته شدند.

2. Nosferato
3. Taxi Driver
4. Fred & Ginger
5. all of Me
6. Repulsion

آینه وسیله‌ای مناسب برای تأمل در خود و به واسطه این تأمل، رجوع به گذشته است. از دریچه آینه می‌توان خاطرات را زنده کرد و اصولاً در گذشته زیست.